

## حزب حکمتیست و مبارزات جاری طبقه کارگر

(مصوب پلنوم بیست و یکم حزب حکمتیست)

مقدمه:

جنبش طبقه کارگر ایران با مصافهای تعیین کننده روبرو است. مبارزات و اعتصابات جاری طبقه کارگر، هرچند پراکنده، اولین سنگربندی طبقاتی در مقابل تعرض مستمر بورژوازی به سطح معیشت و زندگی طبقه کارگر است.

اتحاد محکم و گسترده حول عاجلترین مطالبات اقتصادی و سیاسی، و شکل گیری تشکلهای توده ای کارگری از گامهای تعیین کننده پیشروی طبقه کارگر است. سازماندهی مبارزات جاری کارگران و به پیروزی رساندن آن، بدون شکستن سد تفرقه و پراکندگی در میان کارگران و در همه محیط های کار، ممکن نیست.

حزب حکمتیست رفع موانع اتحاد در میان کارگران، و ایجاد همبستگی طبقاتی در میان فعالین و رهبران کارگری در محیط های کار و زندگی، را هدف خود قرار میدهد. بر این اساس حزب حکمتیست جهت گیری زیر را در قبال مبارزات جاری طبقه کارگر اعلام میکند و فعالین، اعضا، و دوستداران خود را به اتخاذ آن فرامیخواند.

۱- دخالت فعال در سازماندهی و به پیروزی رساندن مبارزات جاری طبقه کارگر، حمایت از مطالبات همه کارگران برای بهبود شرایط کار و معیشت خود، بویژه در مهمترین مراکز صنعتی که جدال در آنها یکی از مهمترین عرصه های رویارویی طبقه کارگر ایران، با کارفرما و دولت است.

ص ۳

## یورش جمهوری اسلامی

به مردم مناطق مرزی کردستان عراق قویا محکوم است.

جمهوری اسلامی بعد از به توپ بستن مناطق مسکونی مرزی کردستان عراق و وارد کردن خسارات فراوان و آواره کردن ساکنین این مناطق، سرانجام به بهانه تعقیب واحدهای نظامی پژاک، نیروی زمینی سپاه پاسداران خود را به این مناطق گسیل داشته، جنگ و شرایط جنگی را بر مردم مناطق مرزی تحمیل کرده است.

ص ۲

## در حاشیه سالگرد ترور عبدالرحمان قاسملو

رضا کمانگر

در تاریخ ۲۲ تیر ماه ۲۲ سال پیش عبدالرحمان قاسملو دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران در یک طرح برنامه ریزی شده از طرف سران رژیم اسلامی در شهر وین اتریش بدام تیم ترور رژیم اسلامی افتاد و همراه دو تن از همراهانش وحشیانه کشته شدند. همچنین چند سال بعد صادق شرفکندی دبیرکل بعد از قاسملو حزب دمکرات همراه با ۳ نفر از یارانش در رستوران میکوس شهر برلین آلمان بدام همان تیم ترور افتادند و کشته شدند.

ص ۴

اعلامیه حزب کمونیست کارگری کردستان

**دست از سرکوب مردم ناراضی بردارید!**

ص ۵

**زنده باد سوسیالیسم**

## تغییر قانون کار

سرمایه داران هنوز راضی نیستند

مظفر محمدی

قانون کار جمهوری اسلامی را بعد از سالها کشمکش بین سرمایه داران و طبقه کارگر، سرانجام در توازن قوای نامساعد و سرکوبگری عریان، در جهت تامین منافع و سود بیشتر کارفرمایان و سرمایه داران به تصویب مجلس اسلامی رساندند. قانونی که نه تشکل مستقل کارگری را به رسمیت می شناسد و نه حق اعتصاب و تجمع و حق تعیین دستمزد توسط نمایندگان واقعی کارگران را. متعاقبا قانون قراردادهای موقت، شرکتهای پیمان کاری و ده ها مورد دیگر نقض حقوق کارگر به این قانون اضافه شد.

تلاش چند ده ساله طبقه کارگر علیه قانون کار و مبارزه بی وقفه برای تامین شرایط قابل تحمل کار و زندگی طبقه کارگر، همواره به مثابه مانع و خطری در مقابل سرمایه داران و دولت و سودآوری سرمایه ها در جریان بوده است. اما این تلاش ها هیچگاه تعرض های مداوم به سطح معیشت طبقه کارگر را متوقف نکرده است.

قانون حذف یارانه ها، آزاد سازی قیمت ها و انجماد دستمزدها، به این تعرضات جنبه بسیار گسترده و غیرقابل قبولی بخشیده است. و حالا آمده اند و با تغییرات جدید در قانون کار از قبیل باز گذاشتن بیش از پیش دست کارفرمایان در اخراج کارگران، کاهش فاحش حق شیفت و نوبت کاری و قطع تعلق ۴۰ درصد دستمزد بیشتر به کار در روزهای تعطیل و اضافه کاریها، از مقدار همین افزایش ناچیز و ۹ درصدی دستمزد نیز بکاهند.

سرمایه داران هنوز راضی نیستند و سود بیشتری می خواهند. هر بار قانون کار مصوب خود را در غیاب نمایندگان واقعی کارگران، دستکاری و در جهت کار ارزان تر و سودآوری بیشتر آن را تغییر می دهند. اما در مقابل، طبقه کارگر هم مشغول صف بندی طبقاتی خود در مقابل این توحش سرمایه داری است.

اعتصاب کارگران پتروشیمی خوزستان به یمن اتحاد و تشکل سندیکایی شان و با تلاش رهبران و فعالین این بخش کارگری، توانست عقب نشینی ای به کارفرمایان و دولت تحمیل کند و آنان را به قبول لغای طرح شرکت های پیمانکاری وادارد. این پیروزی بزرگی برای کارگران پتروشیمی ها هم به دلیل متحقق شدن خواستها و هم به دلیل تامین اتحاد صفوف کارگران و

←



تشکل مستقل کارگری شان است. همچنین، این پیروزی، به عنوان یک درس و تجربه با ارزش در طول دهه های اخیر برای کل طبقه کارگر هم هست. این سکوی یک تعرض جدید برای دیگر بخش های طبقه کارگر و ایجاد یک صف متشکل و متحد و سازمانیافته در مقابل تعرض های پشت سر هم دولت و کارفرمایان و سرمایه داران است.

تجربه اعتصاب شکوهمند کارگران پیروشمی جنوب نشان داد که حتی با وجود سراسری نبودن مبارزه کارگران، اما به دلیل وزنی که این بخش طبقه ما در اقتصاد و جامعه دارد، می تواند و توانست سرمایه داران را به تجدید نظر در یکی از اشکال استثمار و قوانین ضد کارگری یعنی شرکت های پیمان کاری و ادار سازد. تا به زیاله دانی ریختن کل قانون کار جمهوری اسلامی که بر اساس کار ارزان، کارگر خاموش تنظیم شده است هنوز راه درازی در پیش است. اما طلیعه خودآگاهی بیشتر، اتحاد صفوف رهبران و فعالین کارگری،

تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری، برگزاری مجامع عمومی کارگران، تشکیل اتحادیه ها و تشکلهای صنفی کارگران، فعالیت های آگاهگرانه کارگران سوسیالیست و رهبران عملی کارگران در باره کارکرد سرمایه داری در ایران و قوانین اقتصادی و سیاسی و ترفندهای سرمایه داران علیه طبقه کارگر و غیره و غیره، بطور چشمگیر و امید بخشی نمایان شده است.

اکنون به جای مفسرین و روشنفکران بورژوا، شفاف ترین و واقعی ترین ارزیابی از رابطه کار و سرمایه و اقتصاد ایران و قوانین و شگردهای سرمایه داران و دولت را از زبان و قلم خود کارگران و فعالین و رهبران نشان می شنویم و می بینیم. اکنون بیش از هر کس، فعالین و رهبران کارگری منافع و سیاست های کارگری را در مبارزات و جنبش طبقاتی کارگران نمایندگی می کنند. این تحولی است که در میان طبقه کارگر در جریان است و می تواند در مسیر پیشرفت و تعمیق و گسترش خود طبقه کارگر را برای مقابله جدی و سرنوشت ساز با

بورژوازی و دولتش آماده کند. مبارزه طبقاتی در ایران و در متن آن مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر برای افزایش دستمزدها، بیمه بیکاری، آزادی تشکل و تجمع و اعتصاب، محور کلیه مبارزات اجتماعی و آزادیخواهانه علیه تعرض سرمایه داران به سطح معیشت طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه است.

هر پیشروی و پیروزی طبقه کارگر در بازپس گرفتن حقی و یا تحمیل مطالبه ای به دولت و سرمایه داران، به مثابه گرفتن سنگری برای به عقب نشاندن سرمایه داران و دولت و کند کردن لیه تیغ سرکوب و استثمار بر بالای سر جامعه است.

باید با تمام قوا از مبارزه طبقاتی کارگران در مقابل سرمایه داران و دولت، حمایت کرد. اقتدار وسیع زحمتکشان و حقوق بگیران و تنگدستان جامعه، تنها در کنار طبقه کارگر و ایستادن پشت سر این طبقه شانس گشایشی در زندگی، فضایی آزاد و انسانی و دنیایی بهتر دارند.

## ادامه از صفحه ۱

### یورش جمهوری اسلامی ...

طبق گزارشهای رسیده واحدهای زرهی و توپخانه ای و همچنین نیروی زمینی سپاه پاسداران که از مدتی قبل در مناطق مرزی پیرانشهر و اشنویه و سردشت و مریوان مسقر شده بودند، از چند روز قبل وارد مناطق مرزی کردستان عراق همجوار با این شهرها شده اند. طبق اخبار نیروهای دیگری از سپاه پاسداران جمهوری اسلامی از کرمانشاه نیز به این مناطق گسیل شده و اخبار رسیده حاکی از سرازیر شدن بیشتر مزدوران جمهوری اسلامی به مناطق مرزی کردستان عراق است. تاکنون درگیریهایی بین نیروهای نظامی جمهوری اسلامی و واحدهای نظامی پژاک روی داه است.

این اولین بار نیست که جمهوری اسلامی به بهانه وجود پایگاههای نظامی پژاک مناطق مسکونی مرزی کردستان عراق را گلوله باران کرده و به راکت و خمپاره می بندد و محیط کار و زندگی مردم را تماما ناامن میکند. جمهوری اسلامی هر بار و به بهانه ای در پی قلدری خود در منطقه و افزایش نفوذ خود در معادلات کشور عراق به این اعمال وحشیانه اقدام کرده است. یورش اخیر سپاه پاسداران جمهوری اسلامی هم در ادامه این سیاست است که این باز نیز مردم با آوارگی و تحمل خسارات جانی و مالی باید تاوان آن را پس بدهند. جمهوری اسلامی با این کار تنها تنفر و انزجار مردم آزادیخواه کردستان عراق و ایران را علیه خود افزایش خواهد داد.

حزب حکمتیست یورش وحشیانه اخیر جمهوری اسلامی به مردم کردستان عراق و گلوله باران کردن روستاهای مرزی را تحت هر بهانه ای قویا محکوم میکند، خواهان قطع فوری خمپاره باران محل کار و زندگی این مردم و عقب نشینی سریع مزدوران جمهوری اسلامی از مناطق مرزی کردستان عراق است.

حزب حکمتیست همچنین مردم کردستان عراق و بویژه ساکنین روستاهای مرزی را به اعتراض، علیه یورش وحشیانه جمهوری اسلامی به محل کار و زندگی خود، فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران -

حکمتیست

۲۸ تیرماه ۱۳۹۰ - ۱۹ ژوئیه ۲۰۱۱

آزادی ، برابری ، حکومت کارگری

## ادامه از صفحه ۱

## حزب حکمتیست و مبارزات ...

۲- حمایت و کمک به سازماندهی جنبش مجمع عمومی در دل مبارزات جاری طبقه کارگر، منکی کردن تشکل های کارگری موجود به مجامع عمومی روتین و منظم، بعنوان ابزار طبیعی اعتراض متشکل و ابزار دخالت مستقیم توده کارگران. امری که حضور و دخالت دائمی توده هرچه وسیع تر کارگران را تضمین و تامین میکند.

۳- حمایت قاطع و کمک به ایجاد تشکل های توده ای کارگران اعم از شورا، سندیکا، اتحادیه، انجمن، کانون و ...، که بوسیله خود کارگران و برای پیشبرد مطالبات آنها در مقابل دولت و کارفرما انجام میگیرد. ما از هر سنگربندی طبقه کارگر حمایت میکنیم و برای تقویت آن تلاش میکنیم. حمایت قاطع از رهبران و فعالین کارگری را امر مستقیم خود میدانیم. هر تعرض کارفرما و دولت به این بخش از کارگران را باید قاطعانه محکوم کرد، و آن را با به حرکت در آوردن توده هرچه بیشتری از کارگران در مراکز کار و زندگی کارگران پاسخ داد.

۴- کارگران کمونیست و سوسیالیست نقش مهمی در سازمان دادن مبارزه قاطع علیه تعرضات بورژوازی و جمهوری اسلامی به فعالین و تشکلهای طبقه کارگر و دیگر عرصه های اجتماعی مبارزه، اعتراض علیه تعرض دستگاه های امنیتی به رهبران عملی اعتراضات کارگری، مبارزه برای آزادی کارگران زندانی، و حمایت از خانواده های کارگران زندانی دارند. حزب حکمتیست به عنوان بخشی از این تلاش، تامین این مهم را یکی از وظایف مهم خود میداند.

۵- گسترش مبارزه برای انحلال شوراهای اسلامی و کوتاه کردن دست خانه کارگر از دخالت در اعتراضات کارگری. مقابله با هرگونه ادعای این نهادهای دولتی در نمایندگی کردن کارگران، در جامعه و در مجامع بین المللی.

۶- ایجاد وسیعترین اتحاد و همبستگی در مبارزات جاری طبقه کارگر، حول مطالبات حداقل و فوری چون افزایش دستمزدها به نسبت تورم، پرداخت دستمزدهای معوقه، حق اعتصاب، آزادی ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت، لغو قرارداد های موقت و سفید امضا و لغو قراردادهای شرکت های پیمانی، تعطیلی اول ماه مه، بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد بیکار زن و مرد بالای ۱۶ سال مستقل از ملیت و مذهب و خارجی و

بومی، حقوق برابر زن و مرد در محیط کار، لغو تبعیضات و تضيیقات سیاسی، فرهنگی و مذهبی علیه زنان در محیط کار، حمایت از "کارگران خارجی" و خانواده های آنها.

۷- وجود میلیونها زن و مرد بیکار که از بیمه بیکاری مکفی برخوردار نیستند، طبقه کارگر را بیش از پیش دچار پراکندگی و تفرقه کرده است. مبارزه با بیکاری و اخراج یک جدال دائمی کارگران است. مبارزه برای داشتن قرارداد ثابت، عرصه مهمی از مبارزه کارگران است. قراردادهای موقت و پیمانی، ابعاد و خطر بیکاری را به مراتب افزایش داده است. مقابله با این معضلات، اساسا وظیفه کارگران شاغل است. وظیفه کمونیستها، راه اندازی و سازماندهی جنبش اتحاد کارگری علیه بیکاری در میان طبقه کارگر است.

۸- جنبش کارگری تاریحا شاهد وجود گرایشات مختلف، و از جمله گرایش سوسیالیستی و گرایش بورژوا-رفرمیستی در صفوف خود بوده است. خودآگاهی طبقه کارگر نسبت به وجود گرایشات مختلف در میان خود، یکی از ملزومات پیشروی طبقه کارگر است.

الف- کارگران سوسیالیست، یک گرایش موجود و وسیع در جنبش کارگری را نمایندگی میکنند. گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری، میتواند و باید منشا اتحاد و تشکل طبقه کارگر باشد. وجود افق های متفاوت جنبشهای بورژوازی چپ و راست، کمونیسم بورژوازی و سنتها و روشهای فعالیت تا کنونی آنها، در جنبش کارگری، همواره مانع اتحاد بخش پیشرو و سوسیالیست کارگران است. شرط اتحاد مبارزاتی و حزبی این کارگران، رهایی از سنت ها، روش ها، و فعالیت های این جنبش های بورژوازی و غیرکارگری و سازمانهای مختلف آن است. افشای گرایشات بورژوازی در مبارزات طبقه کارگر و تغییر توازن قوای کنونی، در گرو تشکل و خودآگاهی گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر است. این گرایش باید بر پراکندگی و تشننت خود فایق آید و لولای اتحاد و تشکل مبارزات کارگری شود.

اتحاد کارگران کمونیست، حول یک افق روشن و یک پرچم سیاسی - کمونیستی، پیش شرط هرگونه تاثیر گذاری آنها در متحد کردن صفوف طبقه کارگر است. کارگران کمونیست، رهبران عملی و سازماندهندگان کمونیست طبقه کارگر، بطور عاجلی نیازمند اتحاد مستحکم و تشکل کمونیستی خود هستند. اتحاد این

صف، قدم اول در تحزب کمونیستی طبقه کارگر و حلقه اصلی در فائق آمدن و تاثیر گذاشتن بر اتحاد کل طبقه کارگر در مبارزه سیاسی و اقتصادی این طبقه است.

ب- احزاب بورژوازی و سنتهای سیاسی مختلف، نمایندگان خود را در جنبش اعتراضی طبقه کارگر دارند. شاخه های مختلف کمونیسم بورژوازی در ایران، که خود بخشی از جنبش های سازمانیافته بورژوازی هستند، از این جمله اند. این گرایش در تلاش است تا نیروی مبارزه طبقه کارگر را برای تقویت آلترناتیو های بورژوا-حکومتی در داخل و یا خارج از حاکمیت، بسیج کنند. افشای این گرایش قدم مهمی در کسب آگاهی طبقاتی کارگران است. طبقه کارگر باید صف آگاه خود را در تمایز با این جنبش ها شکل دهد.

پ - کشمکش بخش های مختلف بورژوازی ایران، که در دل تخصصات جناحهای جمهوری اسلامی بروز میکند، اعم از جنبش سبز و سیاه، "اصول گرایی" و "اصلاح طلبان، و شاخه های مختلف آنها، جنبش و جدالی بر سر گرفتن سهم بیشتری از قدرت اقتصادی و سیاسی، و وسیله ای برای حفظ حاکمیت جمهوری اسلامی است. این جدال و کشمکش نه تنها ربطی به منفعت طبقه کارگر ندارد، بالعکس در راستای حفظ تحکیم موقعیت بورژوازی است. این جنبش و جدال، با همه جریانات راست و چپ حامی آن، در منفعت کل طبقه بورژوا در سرکوب و استثمار طبقه کارگر، سهیم است و باید بعنوان جنبشی ضد کارگری در کنار جناح دیگر حاکمیت افشا و طرد شود. جدال دو ساله اخیر جناحهای سبز و سیاه بورژوازی به وضوح ماهیت ضد کارگری طرفین را برملا کرد. افشای پیگیر و تلاش برای منزوی کردن بیش از پیش این جناحهای ضد کارگری، از وظایف کارگران کمونیست است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کمک به اتحاد و تشکل، همچنین غلبه بر تفرقه و پراکندگی در صفوف گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر و کمک به اتحاد کارگران کمونیست را از مهمترین وظایف خود میداند. حزب ما، با نقد گرایشات بورژوا-رفرمیستی در طبقه کارگر، با نقد آلترناتیوهای بورژوازی و نشان دادن راه پیشروی جنبش کارگری در هر تک مبارزه جاری اقتصادی و سیاسی، تلاش میکند این گرایش را به نقد سوسیالیستی مسلح کرده و به تشکل یابی آن کمک کند.



آمریکا گره میزنند و در راه روهای وزارت خارجه آمریکا صف میکشند و روزی دیگر هم افقشان به جناحی از رژیم اسلامی جنبش سبز گره میزنند و به نیروی پیاده نظام موسوی کروی تبدیل میشوند و روز بعدی هم با میانجگری جلال طالبانی مشغول مذاکره با ماموران درجه چندم وزارت اطلاعات رژیم اسلامی در بغداد میشوند. اما همه این سیاستها جز شکست و سکندال سودی برای احزاب ناسیونالیست کرد در بر نداشته است.

### شکست احزاب ناسیونالیست کرد به طبقه کارگر و مردم کردستان مربوط نیست!

طبقه کارگر و مردم کردستان خواهان آزادی و برابری و رفا و عدالت اجتماعی هستند، خواهان برابری حقوق زن و مرد و کوتاه کردن دست مذهب در اداره جامعه هستند. بی نیاز به احزاب و جریانات مافوق مردم که همیشه مشغول معامله بندو بست با دولت بدون دخالت و حضور مردم هستند.

مردم کردستان خواهان دخالت مستقیم در سرنوشت خود هستند. امروز بیش هر زمان طبقه کارگر و مردم کردستان بی نیاز به وجود احزاب ناسیونالیست کرد هستند و این جریانات را که هر روز مشغول معامله بندوبست با ماموران درجه چندم رژیم اسلامی و وزارت خارجه آمریکا هستند را بعنوان جریانات مافوق مردم میشناسند. افق طبقه کارگر و مردم کردستان در گرو اتحاد برای سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی و استقرار نظام سوسیالیستی است که همه شهروندان جامعه دارای حقوق برابر هستند.

۲۶ تیر ۱۳۹۰-۱۶ جولای ۲۰۱۱

[www.r-kamangar.com](http://www.r-kamangar.com)

توضیح اکتبر:

"این مطلب تلخیص شده است"

خمینی در فرانسه اقامت داشت در ارتباط بود تا زمانی که جریان اسلامی جهت سرکوب انقلاب ۵۷ به حاکمیت رسیدند "خمینی" را "امام" خطاب میکرد و در زمان مذاکره هئیت نمایندگی مردم کردستان در کنار آنها مخفیانه به مذاکره جداگانه می پرداخت، اما همه این تاکتیکها برای حزب دمکرات نتیجه ای جز شکست دربر نداشت و هر روز سیاست و استراتژی و تاکتیک این حزب با بن بست و شکست مواجه میشود.

علت اصلی اتخاذ سیاستهای حزب دمکرات وجود منافع مشترک طبقاتی با جمهوری اسلامی است. رژیم اسلامی بعنوان نماینده جامعه سرمایه داری ایران تضادی با منافع سیاسی طبقاتی حزب دمکرات و احزاب ناسیونالیست کرد ندارد، اما این جمهوری اسلامی است که بدلیل تمامیت خواهی نیازی به مشارکت حزب دمکرات و احزاب ناسیونالیست کرد در قدرت ندارد.

اما جمهوری اسلامی بنابه شرایط و موقعیت سیاسی هر زمان که خواسته حزب دمکرات و احزاب ناسیونالیست کرد را به بازی میگیرد، زمانی که امکان سازماندهی ترور در خارج کشور را داشت با عنوان تماس جهت مذاکره قاسملو و شرفکندی را بدام انداخت و ترور کرد. جمهوری اسلامی زمانی که امکانات ترور فیزیکی محدود میشود سیاست "الماسی برای فریب" اتخاذ میکند که باز هم یکی از شاخه های حزب دمکرات همراه با یکی از باندهای زحمتکشان عبدالله مهندی را جهت ایجاد سکندال برای آنها راه می اندازد و باز هم شکستی دیگر به احزاب ناسیونالیست کرد تحمیل میکند.

البته باید این نکته را تاکید کنم که علیرغم تمام شکستهای که به احزاب ناسیونالیست کرد وارد شده اما درسی گرفته شده و هنوز در انتظار چراغ سبز برای معامله و توافق و شریک شدن هستند. احزاب ناسیونالیست کرد روزی افقشان را به حمله نظامی

ادامه از صفحه ۱

## درحاشیه سالگرد ترور ...

دادگاه رسیدگی کننده به پرونده ترور قاسملو همراهانش تبدیل به محل معامله سیاسی با جمهوری اسلامی شده و بعد از ۲۲ سال هنوز حکم منصفانه ای دال بر مجازات آن جنایات باشد صادر نشده است.

بی تردید ترور قاسملو، شرفکندی و یارانشان از طرف همه نیروی های چپ و آزادیخواه و مردم ایران محکوم و سران جنایتکار رژیم سلامی را مسئول این ترورها دانسته و میدانند. قطعا پرونده جنایت سران رژیم اسلامی بمراتب قطور تر شده و روزی باید در یک دادگاه علنی و مردمی مطرح و رسیدگی شود و عاملین آن جنایت محکوم و مجازات شوند.

امروز بعد از ۲۲ سال هنوز این سوال پا برجاست که آیا احزاب ناسیونالیست کرد از قربانی شدن رهبرانشان درس گرفته اند؟ آیا تنها سیاست توهم به مصالحه با جمهوری اسلامی موجب این ترور ها شده است؟ آیا ادامه همان سیاستها با روشهای جدید موجب سکندال مداوم جریانات ناسیونالیست کرد نیست؟

برای جواب به این سئوالات باید استراتژی و افق سیاسی احزاب ناسیونالیست کرد را مورد بررسی قرار بدهیم.

### سیاست شریک شدن در قدرت

احزاب ناسیونالیست کرد و از جمله حزب دمکرات از ابتدای پیدایش با رکن فشار، دیپلماسی، مذاکره و سازش با دولت مرکزی و از جمله جمهوری اسلامی اعلام وجود و حضور یافته اند. خواهان سهم شدن در قدرت به عنوان آژان و پاسبان محلی بوده اند. علت اصلی اتخاذ این سیاستها وجود منافع مشترک طبقاتی و استراتژیک این احزاب با حاکمیت مرکزی و از جمله جمهوری اسلامی بوده است. عبدالرحمان قاسملو در دورانی که

نه قومی ، نه مذهبی ، زنده باد هویت انسانی

## دست از سرکوب مردم ناراضی بردارید!

بعد از اینکه تعدادی از جوانان از طریق شبکه اینترنتی و متعاقباً جرایم محلی تظاهراتی را اعلام کردند، روز ۱۵ ژوئیه تعداد زیادی از جوانان و مردم معترض در میدان سرای آزادی شهر سلیمانیه تجمع و تظاهرات کردند. از صبح این روز نیروی زیادی از پلیس و لباس شخصی ها در شهر پخش شدند تا با ایجاد رعب و تهدید به سرکوب، از تظاهرات مردم جلوگیری کنند.

تظاهرات مردم با شعار "آزادی، آزادی" ادامه یافت که با یورش بی رحمانه نیروهای امنیتی مواجه شده و به کتک کاری و اذیت و آزار مردم پرداختند. از جمله یکی از مغازه های محل را برای نگه داری جوانان و شکنجه و آزار آنها مورد استفاده قرار دادند. بنا به اخبار منتشره تا کنون تعدادی دستگیر، مفقود و توسط پلیس مخفی شهر ربوده شده اند.

این برخورد احزاب حاکم و نیروهای امنیتی ادامه همان سیاست سرکوبگرانه برای حفظ قدرت میلشایی شان است که از ماه ها قبل برای خفه کردن صدای اعتراض مردم شروع کرده اند. در طول تظاهرات و تجمع های میدان آزادی شهر سلیمانیه و دیگر شهرهای کردستان عراق تعدادی از فعالین تظاهرات ربوده و یا دستگیر شدند.

سیاست سرکوب و دستگیری و زندانی کردن و ربودن از طرف احزاب کرد حاکم موجب نارضایتی و نفرت همه مردم آزادیخواه و مبارز است. این سرکوبگری نیروهای امنیتی محکوم است. ما اعلام می کنیم که بهتر است حاکمان دست از سرکوب برداشته و فوری جواب خواسته های مردم آزادیخواه را بدهند. ابزار ترس و سرکوب نه تنها نمی تواند حاکمیت این احزاب را حفظ کند، بلکه موجب کینه و نفرت بیشتر توده های مردم کردستان شده و حاکمان نمی توانند از عواقب سرکوبگری هایشان و پاسخ مردم به آن در امان باشند.

حزب کمونیست کارگری کردستان عراق

کمیته سلیمانیه

۱۵ ژوئیه ۲۰۱۱

## گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی به پیوندید!

### مردم آزادیخواه کردستان!

گارد آزادی نیروی متشکل و مسلح شما برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای ارتجاعی است. گارد آزادی، نیروی دفاع از انسانیت، آزادی انسان ها، برابری انسان ها، دفاع از حق برابر زن و مرد، حق کودک، آزادی کامل و بی قید و شرط بیان، تشکل و اجتماع، نیروی دفاع از دستاوردهای فکری و فرهنگی بشریت در مقابل فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده و نیروی دفاع از حق شاد بودن و مرفه زیستن انسان ها است.

گارد آزادی نیروی دفاع در مقابل هر کس و جریانی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند



### زنان و مردان آزادیخواه! جوانان انقلابی!

هر کجا هستید، در محله و در شهر و روستا گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید و از هر طریق که می توانید خود را مسلح کنید و با ما تماس بگیرید.

تلاش کنید در محل تان آزادی اندیشه و بیان و رفتار و فرهنگ انسانی و پیشرو، بخصوص علیه فشار و ستم بر زنان، تعرض به حقوق کودکان و تبلیغات قوم پرستانه، حاکم باشد.

فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه را در محل گسترش دهید.

اکتبر (روز دوشنبه هر دو هفته یکبار) منتشر میشود

مظفر محمدی

سر دبیر:

آدرس ایمیل تماس و ارسال مطلب برای اکتبر:

mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت اکتبر:

www.october-online.com

تماس با دبیر کمیته کردستان

عبدالله دارابی:

darabiabe@yahoo.com

روابط عمومی کمیته کردستان

سالار کرداری

Rawabet.omumi.k@gmail.com